مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

ژئوپلیتیک شهری
رویکردی نوین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران

قدیر صیامی(دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسؤول)
Qa.Siami@stu-mail.um.ac.ir
حسن خلیل آبادی (کارشناس ارشد آمایش سرزمین دانشگاه بین المللی چابهار)
Palateb@yahoo.com

چکیده

ژئوپلیتیک شهری، دانشی نوین و رهیافتی جدید از ژئوپلیتیک سنجش‌گرانه‌ی نوظهور است، که با مقیاسی متفاوت، رویکرد جستجوگرایانه‌ای به روابط قدرت، رقابت و سیاست میان کنش‌گران فضای شهری دارد و می‌کوشد برآیندهای مثبت (مانند: مشارکت کارآ، فراگیر، دموکراتیک و...) و منفی(همچون: خشونت، آشوب، جنگ، تروریسم و...) را در روابط و مناسبات شهری به تصویر بکشد. این مقاله، علاوه بر تبیین مبانی نظریه‌ای دانش ژئوپلیتیک شهری، به عنوان رویکردی میان رشته‌ای و جدید در عرصه‌ی مطالعات سیاسی- شهری جهان، که برای نخستین بار در ادبیات آکادمیک ایران مطرح شده است، شناخت بازنمودهای قدرت و رقابت میان شهرها، تشریح پیامدهای خشونت بار رسمی(جنگ) و غیر رسمی(ترور) علیه شهر در عصر جدید، و زمینه‌یابی کاربرد دانش ژئوپلتیک شهری در ایران مبتنی بر مناسبات قدرت، رقابت و سیاست، خواهد بود. این پژوهش مبتنی بر شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی است که پس از تشریح این رویکرد جدید نسبت به تحلیل زمینه ها و ضرورت‌های به کارگیری آن در نظام مطالعات سیاسی- شهری ایران اقدام شده است. با توجه به نقش کلیدی مناطق استراتژیک و حساس اغلب شهرها در ایران، این فضاها می-توانند در چارچوب دانشی جدید به نام ژئوپلیتیک شهری، به شکلی کارآمد واز دیدگاه روابط قدرت، رقابت و سیاست، بازنمودهای مخرّب (خشونت) یا سازنده‌ی (مشارکت سودمند) آن، مورد بررسی قرارگرفته تا از رهگذر آن، مسیرها و افق‌های جدید و

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۶   تاریخ تصویب:۱۳۹۰/۳/۲۸

کارآمدتری در تحلیل، نظریه پردازی و بسط دانش جامعه شناسی شهری، جغرافیای شهری، برنامه ریزی شهری و دانش ژئوپلیتیک معاصر ایران گشوده شود.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شهری، قدرت، رقابت، جنگ و خشونت علیه شهر.

درآمد:

اصطلاح ژئوپلیتیک، به عنوان واژه ای بحث برانگیز و پرابهام، برای نخستین بار توسط دانشمند سوئدی «رادلف کیلن»[1] در سال ۱۸۹۹ و به مفهوم «دانش تحلیل روابط جغرافیا و سیاست» گام به عرصه‌ی مطالعات جغرافیای سیاسی معاصر نهاد (Dodds & Atkinson, ۲۰۰۰:۳). این علم که در تفکرسنجش‌گرانه‌ی نوین(ژئوپلیتیک انتقادی)، از آن به عنوان شکلی از «روابط قدرت – دانش»[2] یاد می شود(Tuathail & Dalby & Routledge,۱۹۹۸:۱۵)؛ از جمله مفاهیمی است که از زمان پیدایش آن تاکنون، پیوسته بر سر ماهیتش اختلاف نظر بوده است. به گونه‌ای که لاکوست و ژیبلن[3] با توجه به تعدّد برداشت‌ها و تعاریف از واژه‌ی ژئوپلیتیک، بر این باورند که برداشت‌های متفاوت از ژئوپلیتیک ارائه شده است، ولی یک تعریف عمومی و از پیش تعیین شده برای ژئوپلیتیک وجود ندارد(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۳). این تحول و دگردیسی در ساختار مفهومی ژئوپلیتیک سبب شده است تا رهیافت‌های هرمنوتیکی جدید، گستره های روش شناسانه‌ی نوینی را پیش روی این علم قرار داده و حتی چارچوب بنیادین ژئوپلیتیک را، از تحلیل‌های مرسوم در بررسی روابط قدرت- سیاست، به سوی راهبردهای تفسیری جدیدتری همچون بررسی روابط قدرت- خشونت سوق دهند (Ingram & Dodds, ۲۰۰۹:۲۵۹).

بررسی روند تاریخی و روش شناسی مفهوم ژئوپلیتیک، نشان می‌دهد که تعاریف، تفاسیر، گزاره های ابداعی و در نتیجه رویکردهای متفاوت وگاه متضاد، درمواجهه با مفهوم ژئوپلیتیک، ناشی از تفاوت نگرش‌ها در مکاتب فکری و فلسفی، فرهنگ سیاسی، خصوصیات جغرافیایی

---

۱. Rudolf Kjellen
۲. power-knowledge relations
۳. Lacoste & Giblin

ناظر بر تحوّلات سیاسی- نظامی و امنیتی ونیز علایق علمی- آکادمیک دانشمندان علوم سیاسی کشورهای مختلف جهان، در پرداختن به این موضوع است.

اگرچه برخی از ژئوپلیتیسین ها، تنوع دیدگاهها و سبک‌های متفاوت در پرداختن به مفهوم ژئوپلیتیک را زمینه ساز ورود اغراض سیاسی، اظهارنظرهای غیر علمی، توصیفات اغراق گونه دانسته اند، که سبب مخدوش شدن اعتبار علمی و فلسفی مفهوم ژئوپلیتیک شده است (حافظ نیا،۱۳۷۹: ۷۵)؛ به نظر می رسد چنین ماهیت هرمنوتیکی و تفسیری سیال، در کاربرد واژه ژئوپلیتیک یک امکان منحصربه فرد در پاسخ به نیازهای رو به گسترش معاصر و مرتبط با سرزمین، قدرت و سیاست را فراهم آورده است.

بررسی ادبیات نظری و آکادمیک ایران در خصوص مفهوم ژئوپلیتیک، نشان می دهد علی رغم نبود هم‌گونی و جامعیت نسبی در مفاهیم به کار رفته در خصوص واژه ژئوپلیتیک (همان،۷۵)؛ امروزه ما با جریان‌های گسترش یابنده، متعدد و منشعب از پرسمان ژئوپلیتیک روبرو هستیم که هر یک در قالب نوعی طرح‌واره[1] در تلاش‌اند، فارغ از مقیاس های مرسوم، به تحلیل روابط قدرت میان بازیگران عرصه های ژئوپلیتیکی بپردازند.

موضوعاتی چون ژئوپلیتیک شیعه(مایل افشار،۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک تاریخی ایران(محمدبای؛۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک گردشگری ایران(جوان و سقایی،۱۳۸۳)، اهمیت ژئوپلیتیک شمال شرق(پاپلی،۱۳۷۶ و ۱۳۷۸) و بسیاری زمینه های دیگر، دلیلی بر این ادّعاست.

چشم انداز اجتناب ناپذیر در ساختار فضایی وآمایشی ایران، افزایش تعداد و جمعیت شهرهای ایران و نیز اهمیت یابی نقش، کارکرد، بازیگردانی و نقش آفرینی شهرهای ایران در مقیاس های محلی، ناحیه ای، ملی و بین المللی خواهد بود. شبکه ای متراکم از شهرها باتغییرات پرشتاب فناورانه، که آشکارا خبر کاهش شدید فاصله ها را نوید می‌دهد (Graham,۲۰۰۱:۴۱۰). مطالعات نشان می‌دهد، جمعیت شهرنشین ایران در نخستین سرشماری(۱۳۳۵) با نرخ رشد پنج درصد معادل دو میلیون و هفتصد و نودهزار تن و ضریب شهرنشینی به ۳۱/٤ درصد برآورد گردید(نظریان،۱۳۷۹ : ۸۰). در حالی که در سال ۱۳۸۵ این جمعیت به حدود چهل و هشت میلیون ودویست و چهل و پنج هزار تن و ضریب شهرنشینی

با رشد فزاینده ای به ٦٨/٤٦ درصد، افزایش یافت و تعداد شهرها نیز از ١٤٤ شهر در سال ۱۳۳۵، به تعداد ۱۱۱۵ شهر در سال ۱۳۸۵ رسید(مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ١٤).

از این رو ما با نوعی قدرت و نقش آفرینی شهری در ایران روبرو خواهیم بود که می تواند در چارچوب روابط مناسبات قدرت، رقابت و سیاست در مقیاس شهری با نام ژئوپلیتیک شهری[1] مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب روش شناسی پژوهش

انجام این پژوهش، به روش تحلیلی – توصیفی است. تلاش شده است تا در آغاز، به روش اسنادی و با طرح رویکردهای متفاوت از ژئوپلیتیسین های برجسته‌ی ایرانی، بدیع بودن آن به تصویر کشیده شود. در ادامه و در یک چارچوب تاریخی خاص، روند تکوین و تحول دانش ژئوپلیتیک شهری با تأکید بر زمینه ها، خاستگاه و بنیان‌گذاران این رهیافت، در کنار اصول و بنیان‌های آن، تشریح و معرفی شده است. همچنین ضمن طرح مصداق‌هایی از خشونت در شهرهای ایران، در یک فرایند تاریخی، از دیدگاه ژئوپلیتیک شهری، خلأ دانش تحلیل روابط قدرت، سیاست، رقابت و خشونت، و برآیندهای آن در شهرهای ایران برجسته شده است. در پایان نیز با رویکردی ایجابی، به برخی از مهمترین کاربردهای دانش ژئوپلیتیک شهری، در زمینه‌هایی چون: برنامه ریزی شهری، آمایش سرزمین و مدیریت شهری ایران اشاره ای کوتاه شده است.

مروری بر ساختارهای نظری و مفهومی ژئوپلیتیک در ایران

اصطلاح ژئوپلیتیک در ایران برای نخستین بار توسط یک سرهنگ بازنشسته ارتش با نام سعدالدین رشدیه در سال ۱۳۵۰ مورد استفاده قرار گرفت. او متأثر از فلسفه های خرد گرایانه، پوزیتیویسم منطقی و جغرافیای کمی در غرب، ژئوپلیتیک را «رشته ای ریاضی، منطقی و قابل محاسبه در مناسبات جهانی»(رشدیه،۱۳۵۰: ۵۵) دانست.

---

۱. Urban Geopolitics

عزتی در نخستین تعریف خود با تأکید بر تـأثیر پدیـده هـای جغرافیـایی بـر سـاختارهای حکومتی و غیرحکومتی، ژئوپلیتیک را علم بررسـی روابـط بـالا، در مناسـبات میـان دولـت‌هـا می‌داند(عزتـی،۱۳۷۳: ۸۸). وی در تعریـف دیگـر خـود، ژئوپلیتیـک را در معنـای لغـوی خـود «سیاست زمین» به کار برده (عزتـی، ۱۳۷۷: ۱)که به بررسی نقـش عوامـل محـیط جغرافیـایی بـر روابط بین الملل می پردازد. ایشان در تعریفی مترقی‌تر، ژئوپلیتیک را درک واقعیّت‌های محـیط جغرافیایی به منظور دست‌یابی به قدرت برای ورود به بازی جهانی در بالاترین سطح در جهت حفظ منافع و حیات ملی» دانسته اند(عزتی، ۱۳۸۰: ۷). در تعاریف بالا دو مؤلّفه‌ی «نقـش عوامـل و محیط جغرافیایی» و «بررسی روابط بین الملل» جایگـاه ویـژه ای را در تفسـیر ایشـان از مفهـوم ژئوپلیتیک به خود اختصاص داده است.

مجتهدزاده با مکمل دانستن «ژئوپلیتیک» و «سیاست جغرافیایی»، آن را «علم مطالعه‌ی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی بر تصمیم گیری‌های سیاسی، به ویژه در سطوح منطقـه ای و جهـانی» می داند(مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). در تعریف دیگر با تأکیـد بـر عامـل «قـدرت»، ژئوپلیتیـک را «اثرگذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در رقابت‌هـای قـدرتی» عنـوان کـرده اند[۲]. که از دیدگاه تفسیری ایشان نیز ژئوپلیتیک مقیاسی منطقه‌ای و جهـانی دارد و عمومـاً در این مناسبات بر نقش عوامل طبیعی بیشتر تأکید می شود.

کاظمی در یک نگاه کلاسیک به ژئوپلیتیک و بـا تأکیـد بیشـتر بـر جبـر جغرافیـایی[۱]، آن را دانشی معرفی می‌کند که به شناخت صحیح عوامل ناشی از جبر جغرافیایی(اعمّ از ثابت و متغیر) می پردازد و تأثیرات متقابل آنها و سیاست‌های برخورد با آنها را تبیین می کند»(کـاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

دره میر حیدر در تعریفی که از مفهوم ژئوپلیتیک ارائه می دهد، آن‌را «شیوه های قـراءت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصـمیم گیـری هـای سیاسی در سطح ملی و منطقه ای» می داند (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). وی بر خلاف دیگر تعـاریف، با تأکید بر دیدگاه «امکان گرایی»، نقش و جایگاه صاحبان قدرت و اندیشه های سیاسی را بـه

---

۱. Determinism

نسبت نقش عوامل جغرافیایی در روابط و مناسبات قدرت میان کشورها پراهمیت تر تلقی نموده، اما همچون دیگر ژئوپلیتیسین های ایرانی، بر ژئوپلیتیک به عنوان دانش مطالعه‌ی روابط منطقه ای و بین الملل، تأکید دارد.

حافظ نیا با تأکید بر تعامل سه پارامتر و عنصر اصلی در شکل گیری مفهوم ژئوپلیتیک یعنی «جغرافیا»، «قدرت» و «سیاست»، ژئوپلیتیک را «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» می داند(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). که جدا از کلی بودن محتوای تعبیر، جدیدترین وفراگیرترین تفسیر از واژه‌ی ژئوپلیتیک محسوب می‌شود.

واکاوی ادبیات نظری و آکادمیک در خصوص دانش ژئوپلیتیک در ایران، علی رغم رویکردهای مونوگرافیک و تک نگاری ها، از فرایندی کمال یابنده و رو به رشد حکایت دارد. و اگر چه ممکن است به دلیل رشد افقی و عرضی در مبانی دانشی این علم، به عنوان یک سازه‌ی علمی واجد گزاره های کلی و یقینی وروش شناسی معتبر، به نظر نرسد؛ اما به دلیل برخورداری از ابزار تحلیلی نظام مند و ماهیتی انعطاف پذیر، چارچوب مطالعاتی قابل اتکایی در تحلیل مناسبات قدرت، سیاست و سرزمین با مقیاس‌های متفاوت محسوب می شود. این خصوصیت دانش ژئوپلیتیک در کنار مسائل انباشته شده و فزاینده و نوین شهری، زمینه ساز پیدایش پارادایم جدیدی به نام «ژئوپلیتیک شهری» برای پاسخ‌گویی به پرسش های جدید در مناسبات و تأثیرات قدرت، سیاست ورقابت در فضاهای شهری در غرب شده است. تحلیل رویکردهای متفاوت به ژئوپلیتیک در ایران نشان داد که هیچ‌کدام از صاحبنظران علوم سیاسی ایران در زمینه‌ی ژئوپلیتیک، تاکنون به کاربرد دانش ژئوپلیتیک در مقیاس شهری اشاره ای نداشته و ژئوپلیتیک را غالباً، دانش بررسی روابط قدرت و سیاست، متأثر از شرایط جغرافیایی کشورهای مختلف پنداشته اند.

سرچشمه های نخستین ژئوپلیتیک شهری

ما در عصری نارسا وآشفته زندگی می‌کنیم. عصری که در آن فضاها، با جریان‌های فراگیر جهانی در هم آمیخته و سرعت، تراکم و فناوری اطلاعات، تار و پود آن راتشکیل داده است و شرایط پست مدرنیته می رود تا نقشه های ذهنی ازتصورات مرسوم ژئوپلیتیکی ما را در هم بریزد و مفهومی جدید، از ژئوپلیتیک را به ارمغان بیاورد(Tuathail & Dalby, ۲۰۰۲: ۱٦). واقعیت «شهر»

در عصر جدید نیز با مجموعه ای از روابط مبتنی بر فیبر نوری[۱] در مقیاس درون شهری، بـرون شهری، مقیاس‌های منطقه ای، ملی و بین المللی وحتی در سطح فراتـر یعنـی درون سـیاره ای آمیخته شده است(Graham,۱۹۹۸:۹٤٦) و در جریان این روابط «قـدرت» و «رقابـت» مـاهیتی تعیین کننده دارند. از سویی، جمعیت جهان نیز، با شتابی بی مانند، به رقـم هفـت میلیـارد تـن نزدیک می شود و شهرها در یک نظام شبکه ای، اگرچه به عنوان کانون‌های بی بدیل و در عین حال ناهمگون جمعیت، ثروت، قدرت و خلاقیّت‌های شگفت آور بشری تبدیل می شوند؛ ولی به همان اندازه نیز به قطـب فزاینـده رقابـت، خشـونت هـای سیاسـی، نظـامی و شـبه نظـامی، درگیرهـای قـومی و زبـانی، نـاامنی، اعتصـاب و اهـداف تخریـب‌گرانـه‌ی تروریسـتی تبـدیل می‌شوند(Graham, ۲۰۰٤:۱).

ماهیت سیال دانش ژئوپلیتیک به عنوان دانش تحلیل روابط قدرت، و نیز گسترش مناسـبات قدرت و رقابت در درون و میان شهرها، شالوده و اساس شکل گیـری دانشـی جدیـد در نظـام آکادمیک غرب را، با عنوان«ژئوپلیتیک شهری» فراهم آورد. سال ۲۰۰۳ را مـی تـوان سـرآغاز و نقطه‌ی عطف ژئوپلیتیک شهری در جهان قلمداد کرد. تا پیش از این سال مفهـوم ژئوپلیتیـک و مفاهیم وابسته به آن همچون قدرت، رقابت، سیاست و فضا، مقیاسی عموماً بین المللی داشت.

مبدع اصطلاح ژئوپلیتیک شهری در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی غـرب، «اسـتفان گراهـام[۲]» است. او با تألیف کتاب معروف خود به نام«شهرها، جنگ و تروریسم؛ به سوی یک ژئوپلیتیک شهری[۳]» در سـال ۲۰۰۳، بـرای نخسـتین بـار شـهر و محـلات شـهری را در مرکـز مطالعـات ژئوپلیتیکی قرار داد (Ingram & Dodds, ۲۰۰۹:۲٦۷).

پس از طرح ایده ژئوپلیتیک شهری توسط گراهام،در همان سال با همکاری دانشـگاه هـای «عمر بنگو[٤]» از کشور گابن[٥]، دانشگاه متز[٦] از کشور فرانسه و دانشـگاه اتـاوا از کشـورکانادا بـه میزبانی فرانسه از اتحادیه اروپا، کنفرانس بین المللی ژئوپلیتیک شهری برگزار شـد. محورهـای

۱.Optic-Fiber
۲. Stephen Graham
۳. Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics
٤. Omar Bongo
٥. Gabon
٦. Metz

راهبردی این کنفرانس، موضوعاتی چون خطرهای زندگی شهری، سازمان دادن مناطق شهری، کنترل فضاهای قابل سکونت، کشمکش‌ها و آشوب‌های شهری، رقابت‌های سیاسی در شهر وغیره بود (Breux, ۲۰۰۷:۱).

کشور فرانسه را می توان خاستگاه اولیه‌ی نشر دانش ژئوپلیتیک شهری به حساب آورد. ساختارهای ناهمگون جمعیتی و فرهنگی در شهرهای این کشور، متشکّل از مهاجرانی از کشورهای آفریقایی، آسیایی و اروپای شرقی، به‌ویژه پیرامون شهر پاریس، زمینه‌ی بروز خشونت، درگیری، اعتراض‌های اقلیّت‌ها، اصناف، قدرت جویی گروهای قومی – نژادی و رقابت‌های خشونت آمیز شهری را درفضای شهرهای فرانسه، به ویژه پاریس، فراهم ساخته است.

از اواخر سال های ۱۹۷۰ و حوادث سال ۱۹۷۹ منگت ها[1] در ونیسییو[2] (تابستان ۱۹۸۱)، حومه‌ی شهر لیون، شاهد دوره‌ای از آشوب‌ها بودند، که معمولاً بیشتر آنها تنها چند شب به طول می‌انجامید(lacoste,۲۰۰۶:۱۱).

موج آشوب‌های شهری در پاییز سال ۲۰۰۵ براساس همان الگو آغاز شد. مرگ تصادفی دو نوجوان که ملیتی مراکشی و سابسارپانی[3] داشتند، به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن توسط پلیس و ورود به ایستگاه مولّد برق و کشته شدن توسط جریان الکتریکی بدون این‌که تیراندازی صورت گرفته باشد، سبب اولین برخوردها میان نیروهای پلیس و جوانان شهرکی در حومه پاریس وبخش مُنتفرمی[4] که در همسایگی آن قرار داشت، شد. این آشوب‌ها به سرعت در بسیاری از مناطق دیگر حاشیه نشین پاریس گسترش یافت و در نهایت در محله های حدود پنجاه شهر از سایراستان ها، آشوب برپا شد. این شورش‌ها هم زمان به هجده منطقه از بیست و دو منطقه در پایتخت گسترش یافت. در این حوادث هزار اتومبیل به آتش کشیده شده، بیش از دویست و پنجاه مدرسه کم و بیش نابود گردید، سالن های ورزشی، مهدکودک ها، اداره های پست، یک سالن تئاتر، و به طور حتم کلانتری ها آسیب‌های جدّی دیدند. ارزش

---

۱. Mignonettes
۲. Venissieux
۳. Subsaharienne
٤. Montfermeil

خسارات جهانی این شورش ها توسط شرکت های بیمه، دویست میلیون یورو برآورد شده است(Ibid,۹۵). چند هفته پس از پایان آشوب های پاییزی، در سال ۲۰۰۵ که منجر به آشوب‌های پردامنه‌ی شهری و تهدید دولت سارکوزی گردید؛ حساسیّت‌های محافل علمی و دانشگاهی نسبت به موضوع ژئوپلیتیک شهری و اهمیت سیاسی مناطق مختلف یک شهر از دیدگاه امنیت، رقابت، سیاست و قدرت برانگیخته شد و یک کنفرانس بین المللی ژئوپلیتیک شهری، به ابتکار فردیک دوزت[۱] توسط دانشگاه سرجی[۲] با مشارکت مؤسسه‌ی فرانسوی ژئوپلیتیک، دانشگاه پاریس۹ و دانشگاه کالیفرنیا در بروکلی و شورای عمومی پاریس[۳] با عنوان «قلمروهای شهری دربرابر چالش های تفکیک نژادی» برگزار شد.

پس از برگزاری گردهمایی‌های آکادمیک در خصوص ژئوپلیتیک شهری، این پارادایم نوین، به سرعت به محافل علمی- سیاسی جهان راه یافت و مقالات و کتب متعددی، متأثراز این دیدگاه به تألیف رسید. از جمله‌ی این آثار می توان به "گتوهای آمریکایی و حومه های فرانسوی" (Beatrice Giblin, ۲۰۰۳)، "شهر پست مدرن و ژئوپلیتیک شهری" (Graham, ۲۰۰٤)، "تاریخ پرفراز و نشیب ژئوپلیتیک" (lacose,۲۰۰٦)، "ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک شهری" (Breux, ۲۰۰۷)،"گروههای نژادی و ژئوپلیتیک انتخابات در آمریکا" (Raballand, ۲۰۰۸)، "توسعه شهر هبرون (فلسطین)در بستر پیچیده ژئوپلیتیک شهری"(Nisreen Zahda, ۲۰۰۹) و ... را نام برد.

نشریه‌ی فرانسوی «هرودوت[٤]» نیز به عنوان پایگاه فکری نشر اندیشه های مرتبط با ژئوپلیتیک شهری، از سال ۲۰۰۳ به بعد، کانون توجهات خود را به بازتاب مقالات مرتبط با موضوع، قدرت، رقابت، سیاست در فضای شهر، قرار داده است . به گونه ای که برخی از محققان معتقدند فصلنامه‌ی هردودت به نوعی افراط در پرداختن به این موضوع، راه حل همه مشکلات، حتی در مقیاس ناحیه ای، ملی را در شهرها جستجو می کند(Breux, ۲۰۰۷:۳).

---

۱. Fredrick Douzet
۲. Cergy- Pontoise
۳. Val- doise
٤. Hérodote

شناخت شناسی ژئوپلیتیک شهری

شناخت شناسی[۱] (نظریه دانش)، جزیی از فلسفه‌ی علوم است و هدف آن تشریح موضوع، تعیین حدود و شناسایی قوانین مربوط به گسترش دانش هاست و آن را مطالعه‌ی انتقادی[۲] (سنجش‌گرانه) اصول، فرضیه ها، و نتایج دانش های گوناگون تعریف کرده اند(دانشپور،۱۳۸۸: ٢٦).

از دیدگاه شناخت شناسی، پارادایم جدید در عرصه‌ی مفاهیم و تعاریف ژئوپلیتیک از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که دیگر این دانش تنها به تجزیه و تحلیل روابط میان کشورها محدود نمی شود؛ بلکه تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی در روابط قدرت و رقابت موجود در سرزمین‌هایی به ابعاد کوچک، همچون بیروت یا در محلات مرکزی لوس آنجلس هم اعمال می شود (ژیبلین وکست، ۱۳۷۸ :٤٧).

ژئوپلیتیک شهری مبنای نظری این طرحواره را، نگاه مکاشفه ای به ماهیت قدرت و برآیند آن یعنی رقابت و پیامد آن بر فضاهای شهری قرار داده است. این اصطکاک نیروها، میان احزاب سیاسی، طبقات اقتصادی وگروهای فرهنگی – قومی یا میان جامعه مدنی با حاکمیت (اعمّ از محلی یا ملی) است که گاه منجر به مشارکت کارای شهروندان در توسعه‌ی شهر می شود و گاه به خشونت و تضعیف دموکراسی و واگرایی مخرّب میان نیروهای سازنده شهر منجر می‌شود. چنین تعامل یا تقابل قدرت در شهر یکی از مهمترین موضوعات در دانش ژئوپلیتیک شهری محسوب می گردد.

ژئوپلیتیک شهری دو ویژگی اصلی ژئوپلیتیک را توصیف می‌کنند: از یک سو، ژئوپلیتیک به رده، مقیاس و ساختار ویژه ای تعلق نداشته و موضوعی فراگیر است و رقابت های بین شهرها به همان اندازه که در مقیاس جهانی در میان کشورهای مختلف وجود دارد، در دل سرزمین های ملی و در درون شهرها و حتی محلات نیز جاری است. از سوی دیگر،

---

۱. epistemology
۲. critical study

ژئوپلیتیک شهری می تواند تجزیه و تحلیل رقابت موجود در دل یک شهر و حتی یک منطقه‌ی شهری، میان محله ها، خیابان ها و یا بین قسمت های مختلف همان شهر را به تصویر بکشد.

ژئوپلیتیک شهری را می‌توان آمیزه ای از علوم سیاسی، روابط بین الملل، جامعه شناسی، جغرافیا، برنامه ریزی شهری، تاریخ و مطالعات نظامی تلقی نمود. در واقع این دانش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه شهر و مناطق شهری به سامان یابی روابط قدرت تن داده و بازتاب روابط قدرت چگونه بر توسعه‌ی کالبدی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک شهر مؤثّر است. همچنین تلاش می کند تا ناپدیدی مجازی قدرت‌های سیاسی در برابر شهر و ساکنانش را از دیدگاه دانش اجتماعی مورد واکاوی قرار دهد (Graham, ۲۰۰٤: ۲٤).حال ممکن است این رقابت‌ها در فضای محلات و بافت‌های شهری روی دهد، یا میان شهر و پیرامون خود باشد و یا ممکن است مفهوم رقابت در تعاملات میان شهر با شهرهای دیگر در داخل استان(شهرهای منطقه ای)، یا در حوزه و قلمرو جغرافیایی یک کشور(شهرهای ملّی) و یا در عرصه‌ی بین المللی (شهرهای جهانی یا جهان‌شهرها) حادث گردد.

از این رو، آنچه که در متن یک شهر پدید آورنده‌ی مؤلّفه های قدرت و رقابت است؛ خواه جهان‌شهری چون پاریس، که اقتصاد فرهنگی اش، این شهر را به مرکز مقتدر و نشر نوآورانه‌ی محصولات فرهنگی جهان نو بدل کرده است(Scott, ۲۰۰۰:۵۸۳) و یاحتی شهر کوچک و گمنامی همچون لوییز ویل[1] که به اعتبار اسطوره ی ورزشی‌اش(محمد علی کِلِی)، از هویت و قدرتی پایدار و جهانی برخوردار شده است(Throgmorton, ۲۰۰۵:۱۱)؛ موضوع محوری در ژئوپلیتیک شهری قلمداد می شود.

ژئوپلیتیک شهری، به عنوان دانشی میان رشته ای،گسترده و متنوع است و به موضوعات بی‌شماری چون نظام برنامه ریزی شهر، مرزهای توسعه، رقابت و تضاد میان قدرت مداران، کنش ها و کشش های طبقاتی، محیط زیست شهری و جایگاه شهروندان، فرهنگ عمومی شهروندان، جمعیت و ساختار آن و بسیاری مسائل دیگر که مبتنی بر روابط قدرت در درون یک شهر، میان شهروندان و گروههای اجتماعی و سیاسی و مذهبی با یکدیگر یا میان

۱. Louisville

شهروندان و گروههای اجتماعی باحاکمیت است؛ می پردازد .در واقع، بهتر است بگوییم که ژئوپلیتیک با رویکرد شهری، یک روش شهرمحورانه برای بررسی عمیق، همه جانبه و جامع روابط قدرت میان افراد و گروهها با یکدیگر و یا بادیگر منابع قدرت در شهرهاست. قدرتی که اصطکاک میان آنها منجر به بروز رقابت شده واین رقابت‌ها منجر به ایجاد تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی، سیاسی، کالبدی و حتی زیست محیطی شهرها می-شود.

ژئوپلیتیک شهری و میان‌کنش دیالکتیکی[۱] شهروندان

منطقاً، معنای بنیادین ژئوپلیتیک «سیاست» است و سیاست در وهله‌ی اول متعلق به دولت محل سکونت مردم است. در اولین و رایج ترین مفهوم از واژه‌ی سیاست، این واژه به معنای مباحثه، مناظره و تقابل شهروندان یک شهر در مورد قوانین، امور و مشکلات محل سکونت شهروندان یا ملت ساکن در آن تعریف شده است.(کست و ژیبلین، ۱۳۷۸: ٦٦). فراتر از چارچوب ومنطق اکولوژی اجتماعی شهر،که قیاسی بیولوژیکی به شهر و رقابت افراد و خانواده ها داشت؛ ژئوپلیتیک شهری نوعی زندگی سیاسی نوین به نام "حیات شهروندی" برای شهروندان قائل است. در این رهیافت شهروندان با قرار گرفتن در طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، از ایده ها،آمال، خواست ونیازها و در نتیجه هویت‌های شهری همگن برخوردار می شوند. در این رهگذر ژئوپلیتیک شهری به دنبال شناخت ایده‌ها و برداشت های مشترک از احزاب سیاسی، گروههای مذهبی و یا طبقات اقتصادی و دیگرکانون های همگرای اجتماعی در شهر است، که آنها را به جنب و جوش وا داشته و جهان بینی آنها را جهت داده وسامان می بخشد(Purcell, ۲۰۰۳ :۱۳). اگر مفهوم ملت و در بیانی ملموس تر شهروند را یک ایده ی ژئوپلیتیکی اساسی تلقی کنیم(Lacoste, ۲۰۰٦ :۷)؛ پیوسته روابط گفتمانی و دیالکتیکی مبتنی برآگاهی، میان شهروندان و یا میان شهروندان و نهادهای قدرت در شهر(به ویژه حاکمیت) در جریان است. این میان‌کنش دیالکتیکی در یک

۱. Intraction Dialectical

تعامل سازنده، منجر به رشد همکاری شهروندان با حاکمیت، ارتقاء مشروعیت سیاسی و رشد آگاهی‌های عموم از حقوق و وظایف خود و در نهایت توسعه‌ی پایدار شهر می شود و گاهی با قرار گرفتن در نقطه‌ی مقابل یکدیگر، به اعتراضات شهروندی، واگرایی‌های خشونت بار با رویه های عمدتاً سیاسی منجر می‌شود. به عنوان نمونه، آشوب‌های پردامنه‌ی شهری در پاریس، درگیری‌های گروههای ضد جنگ در شهرهای کشور آمریکا، اعتراضات خیابانی کارگران بیکار در کشور آرژانتین نسبت به شرکت‌های چند ملیتی و تسلط رسانه ای دولت در وارونه جلوه دادن اوضاع اقتصادی و اجتماعی(Chatterton & Gordon, ۲۰۰۸ :۱۱۷)، ناآرامی های شهری تهران پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۹، تسخیر پنج نقطه استراتژیک شهر بانکوک و بخصوص قلب مرکز تجاری این شهر توسط هشتاد هزار تن از معترضان خشمگین روستایی موسوم به «پیراهن قرمزها» و وفادار به نخست‌وزیر سابق تایلند در مارس سال ۲۰۱۰ و... مثال‌هایی از این میان‌کش دیالکتیکی معترضانه میان شهروندان و حاکمیت است که سبب شده اند تا شهر به قلمروی ژئوپلیتیکی در مناسبات میان شهروندان با یکدیگر وحاکمیت تبدیل شود.

ژئوپلیتیک شهری وخشونت علیه شهر

جنگ به عنوان یکی از واقعیّت‌های اجتناب ناپذیر حیات سیاسی بشر(متکی، ۱۳۸۸: ۱) و اقدامی خشونت بار علیه صلح و امنیت جهان است که پیوسته سایه‌ی مصیبت بار خود را بر فراز شهرها گسترانیده است.این خشونت رسمی در کنار خشونت های غیر رسمی (تروریسم) علیه شهر و شهروندان، محصول ویران‌گرانه‌ی رقابت میان دولت‌ها علیه شهر و شهروندان است، از این رو موضوعی ژئوپلیتیکی با محوریت شهر تلقی می شود.

ازآغاز تاریخ شهرنشینی بشر، همواره میان شهر و خشونتی به نام جنگ، ارتباط مستقیمی برقرار بوده و این ارتباط متقابل تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است. به گونه‌ای که شهر، از سویی مهمترین اهداف تسلط و تخریب در جنگ‌ها بوده اند و با سقوط شهرهای مهم جنگ نیز غالباً پایان می یافت و جنگ نیز در طول تاریخ سبب شکل‌گیری، نابودی، تقویت ویا

تضعیف یک شهر می شد. از این رو جنگ و شهر به صورت تنگاتنگی در سرتاسر تاریخ مدنی و سیاسی بشر بر یکدیگر تأثیرگذار بوده اند، به گونه ای که برخی معتقدند شهر، پیشرفته ترین شکل زندگی دسته جمعی امروزی است و جنگ، آگاهانه ترین شکل یک خشونت دسته جمعی. از این روست که افسانه های دلهره آور ویرانی شهر، در بسیاری از داستان های تمثیلی، آثار فلسفی، مذهبی و تاریخی کلاسیک غرب ریشه دوانده است(Berman,۱۹۹٦:۱۷۵).

«از آن زمان که انسان زندگی در شهر را برگزید و شهرنشین شد، همیشه به ترس از نابودی شهر می اندیشید. چرا که گمان می‌کرد سرنوشت هر شهر، با "نابودی" عجین شده است».

تاریخ ده هزار ساله‌ی مدنیت و شهرنشینی در ایران نیز نشان می دهد که نخستین سکونتگاههای شهری در این سرزمین به صورت دولت شهرهایی مستقل(ایالت شهر) اداره می شدند و در سازمان فضایی این کهن شهرها، عامل «دفاع» نقشی برجسته برعهده داشته است.(شیعه،۱۳۸۰: ۱۸۵) سیلک به مثابه شهری مستحکم، دارای حصار، خندق و دیوار متأثر از شهرهای دوره آشوریان، نمونه ای از این‌گونه شهرهاست.

در عصر ایران باستان نیز می توان نخستین سرچشمه های نابودگری شهر در جنگ را جستجو کرد. به گونه ای که پیروزی در این قبیل جنگ‌ها، بیش از آن‌که با اشغال قلمرو حاکمیتی کشور رقیب همراه باشد، با به آتش کشیده شدن و انهدم بزرگترین و مهمترین شهرها همراه بود. ویرانی و به آتش کشیده شدن جهان‌شهر پرسپولیس(تخت جمشید) در عصر پادشاهی داریوش سوم-که از آن به عنوان خانه‌ی مقدس پارسی و ریشه‌ی حکومت هخامنش(ویلکلن؛ ۱۳۷٦: ۱۹۳) یاد می شد- ریشه در تنفر و ترس اسکندر از احیای مجدد قدرت ایرانیان داشت. این‌گونه به نظر می رسد که در ادوار مختلف تاریخ، کهن شهر ایرانی با دیوارهای ستون دار، همراه با برج و باروهای برافراشته و استحکامات و خندق های پیرامون خود، پیوسته با «یک تهاجم همیشه تهدید کننده و یا ویرانگری محتمل» روبرو بوده اند.

تخریب فضاهای شهری که ریشه در ترس و تنفر دارد، در سرتاسر تاریخ جنگ ها، جاری است، از ورشو و هیروشیما گرفته تا خرمشهر و بغداد. بدبختی‌ها، آوارگی ها و مرگ

شهروندان در شهرهای بمباران شده، به ویژه پس از تصرّف و اشغال، تاریک ترین وجه جنگ است که غالباً در بحبوحه‌ی غرور پیروزمندان جنگ، گم می شود. این تصویر جنگ در شهر است. جنگ پاره پاره می کند؛ از هم می درد، تهی می کند، می سوزاند و ویران می کند» (sontag,۲۰۰۳:۵).

در ادبیات تاریخی ایران، تصویرسازی اندوهناکی از انهدام برخی از شهرهای مهم و پرجمعیت همچون نیشابور و ری در حملات اقوام بیابانگرد مغول به چشم می خورد. چنان‌که در تاریخ جهانگشای جوینی و در وصف تهاجم ویرانگر اقوام مغول علیه شهر بخارا(از بلاد خراسان بزرگ)آمده است: «آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».(شکری،۱۳٦۹: ۵۷).

در عصر جدید دیگر جنگ در قلمروی باز، به موضوعی منسوخ مبدّل شده است، و به جای آن جنگ های غیر رسمی(حملات تروریستی)، ورسمی(حمله‌ی کشوری به شهر یا شهرهای مهم کشور دیگر) به شیوه‌ی رایج خشونت های سیاسی علیه شهر تبدیل شده است. در این بین بازهم قربانیان اصلی این نبردها، شهروندان بی‌گناه و شهرهای بی‌دفاع اند و دیگر تأمین امنیت شهرها همچون گذشته با قراردادن آنها در میان برج و باروها، عملی نیست. امروزه جنگ ها دیگر در سنگرها و میادین روی نمی دهند، بلکه سایه‌ی مصیبت خود را تا اتاق‌های نشیمن، مدارس و سوپرمارکت های شهر و... نیز گسترانده اند.

تجاوزعراق علیه ایران در دوره‌ی معاصر، نمونه ای بارز در به کارگیری ایده انهدام شهر در فرایند جنگ است. به گونه ای که بسیاری از شهرها و شهروندان بی دفاع ایران درجریان یک تجاوز بین المللی با عاملیت دولت عراق، بارها هدف نابودی، انهدام و کشتار قرار گرفتند. این وحشی‌گری جدید علیه شهر و شهروندان، حتی دیده بان حقوق بشر در سازمان ملل را نیز وادار به اعتراف نمود:

«جناب دبیر کل شما به خوبی استحضار دارید که آنچه اکنون به جنگ شهر معروف شده است توسط عراق آغاز گردید. انگیزه این حملات موشکی به زانو درآوردن دولت ایران و

شکستن روحیه‌ی مقاومت مردم بود. این نوع حمله بی‌رحمانه به شهرهای بی دفاع از زمان جنگ جهانی دوم به این سو بی سابقه بوده است»(صفری؛ ۱۳۷۰ :۴۳).

یا به عنوان نمونه یکی از محققان غربی در خلال جنگ ایران و عراق اعلام کرد صدام حسین بیش از۱۹۰ موشک دور برد(اسکود) به سوی شهرهای تهران، اصفهان و شهر مذهبی قم پرتاب کرد که هزاران تن از شهروندان غیر نظامی و بی دفاع را به خاک و خون کشید و بسیاری از زیرساخت‌های شهری را منهدم کرد(همان، ۱۱۱). طرح این موضوعات بدین معناست که جنگ، تروریسم و خشونت‌های سیاسی در عصر جدید، به شکلی مرموزانه بر بافت شهرها متمرکز شده و جنگی آگاهانه و فراگیر علیه شهر و شهروندان بنا نهاده اندکه در آن فضا، زمان، تکنولوژی و قدرت، نقشی بدیع را بر عهده دارند(Virilio, ۲۰۰۲:۵).

در دوره‌ی پس از جنگ سرد، روندی گسترش یابنده و موازی میان شهرنشینی و خشونت-های سیاسی پدید آمده است، به گونه ای که جنگ، ترور و اعمال خشونت بار، با ظرافت و دقّتی خاص مناطق شهری، محیط زندگی شهروندان و حتی خود شهروندان را هدف قرار داده‌اند.

بیشتر شهرهای بزرگ و ریشه دار تاریخی ایران نیز از آسیب های جنگ، تروریسم و رفتارهای خشونت بار علیه فضاهای شهری و شهروندان در امان نمانده اند و در طول تاریخ بارها مورد هجوم، غارت، و ویرانگری قرارگرفته اند. این در حالی است که تاکنون اندیشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه شناسی و جغرافیا در ایران، کمتر به این ارتباط و پیوستگی میان "شهر"، "جنگ" و رفتارهای خشونت آمیز علیه شهر و شهروندان پرداخته اند. بنابراین، این واقعیت ما را مجاب می‌کند که در جستجوی یک ژئوپلیتیک خاص و منحصر به فرد باشیم که بتواند پرده از رفتارهای خشونت آمیز علیه شهرها و شهروندان بردارد و با تأکید خاص بر "شهر" در ورای شیوه های مرسوم که تنها به روابط میان دولت‌ها و کشورها بسنده می‌کنند؛ زیر ساختی متمرکز بر شهرها داشته باشد.

کاربست رهیافت ژئوپلیتیک شهری در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی ایران

دانش ژئوپلیتیک شهری به عنوان رویکردی نوظهـور در تحلیـل روابـط قـدرت و سیاسـت ومولفه های تأثیرگذار این دو متغیّر بر شهر ایرانی، می‌تواند به عنوان حلقه‌ی واسـط مطالعـات شهری و رهیافت‌های ژئوپلیتیکی در ایران، فصلی جدید در حوزه‌ی مطالعات مشترک و در هم تنیده این دو علم بگشاید. در زیر به برخی از این موضوعات اشاره شده است:

الف) ژئوپلیتیک شهری؛ چارچوب تقویت کننده بنیان هـای برنامـه ریـزی شـهری در ایران:

نظام برنامه ریزی شهری در ایران که میراث منسوخ رویکردهای کمّـی گرایانـه‌ی غـرب در دهه‌ی ۱۹٦۰ است، همچنان ازمشکلات ساختاری، کارکردی و ماهیتی بسیاری، رنـج مـی بـرد. علی رغم دگرگونی های گسترده در ساخت‌های فضایی، اجتماعی، کالبدی و کارکردی شـهرها و فرایند شهرنشینی در ایران طی دهه های اخیر؛ هنوز طرح هـای جـامع و تفصـیلی شـهرهای ایران، به جای آن‌که ابزاری برای بهبود و ارتقاء کیفیات محیطی و انسانی شهرها باشند، خود به بخشی مهمی از مشکلات جامعه شهری ایران بدل شده اند و آن‌جا که باید دانش برنامه ریـزی شهری با به کارگیری تخصصی و حرفه ای، همراه با روش‌های علمی به نزدیک کردن منـافع گروههای مختلف وگاه متضاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسـی بـه یکـدیگر، تقابـل قـدرت‌هـای سازنده‌ی شهر را در یک چارچوب سازمند، به سوی تعامـل سـازنده هـدایت کنـد؛ سرنوشـت توسعه‌ی یک شهر را در جداول سطح و سرانه جستجو می‌کند. امروزه مفـاهیمی چـون رقابـت جویی شهرها [۱]، جنبش‌های مدنی، تحلیل تنش‌های قومی – زبانی و بررسی تباینـات فرهنگـی، تحلیل روابط قدرت در شهر و مسائلی از این قبیل در برنامه ریزی بـرای شـهر ایرانـی جایگـاه شایسته‌ای نیافته است. دانش برنامه ریزی شهری ایران می تواند به مثابه نیروی چهارم و بازوی مستقل دولت، به اشاعه و نگاهداشت رفاه همگـانی و منـافع عمـومی در برابـر منـافع افـراد و گروهها پرداخته و مدیریت قدرت در فضاهای شهری در راستای رفاه عمومی گام بردارد.

---

۱. Urban Competitiveness

در این چارچوب، درک کنش متقابل میان سیاست، قدرت و رقابت و مؤلفه هـای قـدرت آفرین همچون تاریخ، فرهنگ، جمعیت، ساختارهای فرهنگی، هویـت ملـی و ...کـه جـوهره و متن ژئوپلیتیک شهری را تشکیل می‌دهند؛ می‌توانند به پیوست تحلیلـی مهمـی در برنامـه‌هـای توسعه‌ی شهر در ایران تبدیل شوند.

ب) ژئوپلیتیک شهری؛ شناسایی زیرساخت‌های قدرت ملی ایران

قدرت ملی در یک تحلیل ژئـوپلیتیکی، بازتـابی از مجمـوع وزن مؤلفـه هـای قـدرت افـزا درساختار و قلمرو فضایی – مکانی یک کشور است و شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و کلان- شهرها، کانون‌های زیرسیستمی این سازمان فضایی ـ مکانی (کشور) را تشکیل مـی دهنـد. ایـن تعامل ساختاری در نظام کشور ـ شهر نشان می دهد هر گونه قدرت یابی اقتصادی، فرهنگـی، سیاسی وحتی تاریخی شهرهای ایران اعم از پایتخـت، کـلان‌شـهرها، شـهرهای میانـه و حتـی شهرهای کوچک در مقیاس های محلی، به روشـنی در ارتقـاء قـدرت و اقتـدار ملـی انعکـاس خواهد یافت.

بررسی وزن مؤلّفه‌های ژئوپلیتیکی و قـدرت ملـی ایـران در نظـام سلسـله مراتـب قـدرت جهانی، نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه قدرت ملی در رتبه‌ی بیستم دربـین ۱۳۹ کشور جهان و در رتبه‌ی دوم میان کشورهای جنوب غرب آسیا، پس از ترکیه قرار دارد و بر اساس سند چشم انداز بیست سـاله بایـد در سـال ١٤٠٤بـه قـدرت برتـر منطقـه ای تبـدیل شود(حـافظ نیـا و زرقـانی،١٣٨٦: ١٠٠). ایـن در حـالی اسـت کـه شـهرهای ایـران – بـه مثابـه زیرسیستم‌هایی با ساختار سلسله مراتبی ـ به دلیل چالش‌های نـرم افـزاری(قـوانین و مقـررات، سیاست‌ها و ساختارها) و سخت افزاری (امکانـات، زیرسـاخت‌هـا، تجهیـزات و تأسیسـات شـهری) هنوز نتوانسته اند در ساختار سلسله مراتبی و شبکه شهرهای جهان، به جایگاه درخور تـوجهی دست یابند(رهنما،۱۳۸۵: ٦٠).

به عبارت دیگر پیش از آن‌که رشد، توسـعه و افـزایش قـدرت و نقـش آفرینـی شـهرها در ایران، منوط به شکوفایی فرصت‌ها و ظرفیّت‌های ذاتی هر شـهر باشـد؛ بـه قـدرت، متغیّرهـای

تأثیرگذار در قدرت ملی وساختارهای متمرکز برنامه ریزی بستگی دارد. یعنی تزریق جریان رشد از بالا به جای تسرّی رشد از پایین. از این رو مرتبه‌ی قدرت ملی ایران منتج از مؤلّفه‌های ژئوپلیتیکی، همیشه در جایگاه مناسبتری نسبت به جایگاه شهرهای ایران در شبکه‌ی شهرهای جهانی است.

با اعتقاد به نقش آفرینی شهرها درارتقاء قدرت ملی از دیدگاه ژئوپلیتیک، دانش ژئوپلیتیک شهری از این ظرفیت برخوردار است که با امکان سنجی ژئوپلیتیکی شهرهای ایران در مقیاس‌های محلی، ملی و حتی بین المللی، به شناسایی ساز و کارهای قدرت آفرین شهری پرداخته و آنها را در راستای تقویت اقتدار ملی سامان دهی کند.

پ) ژئوپلیتیک شهری و آمایش سرزمین در ایران

به گمان برخی محققان، ریشه های بحران ژئوپلیتیک در ساختار فضایی – مکانی جمعیت ایران، به میانه‌ی دهه‌ی ۱۳٤۰ باز می گردد. گسیل لجام گسیخته‌ی جمعیت از شهرهای کوچک و روستاها به سوی شهرهای بزرگ، طیّ چند دهه، شالوده‌ی سازمان فضایی جمعیت ایران را از اساس دگرگون ساخت وموج فراگیر و پیش‌رونده‌ی شهرنشینی در کشور، به هم ریختگی، ناموزونی و عدم تعادل در ساختار سلسله مراتب و شبکه‌ی شهری کشور را سبب گردید. برآیند این بحران یعنی اندیشه‌ی «آمایش سرزمین»، راه حل مؤثّر در تخفیف این چالش را تمرکززدایی از پایتخت و کلان‌شهرها قرار داد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و آغاز جنگ عراق علیه ایران، ضمن تشدید عدم تعادل‌های منطقه ای، تمرکزگرایی شهری تداوم یافت (پور احمد، ۱۳۸۰ :٤۸۸).

"آمایش سرزمین" وراهبردهای مقیاسی آن یک موضوع ژئوپلیتیکی است و بیش از آن که یک سیاست تصمیم سازی باشد، یک تصمیم سازی سیاسی است که حکومت‌ها با نام دولت و در راستای آمایش سازمان فضایی کشور، کاهش تباینات منطقه ای، سهولت درکنترل قلمرو حاکمیتی شان و در نهایت تقویت قدرت و اقتدار ملی به آن مبادرت می ورزند. از این رو در چارچوب سیاست‌های آمایش سرزمین، تحلیل ساختار سلسله مراتبی شبکه‌ی شهرهای ایران

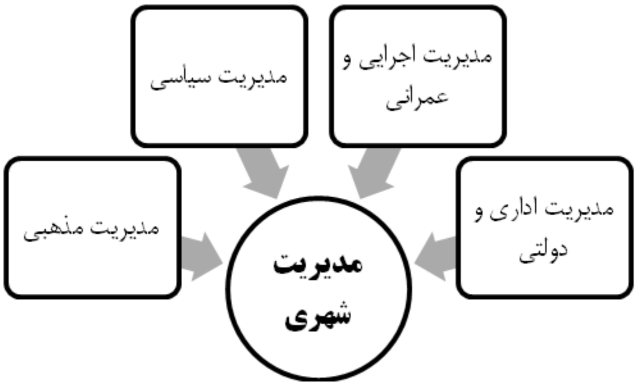
نیز، از دیدگاه ژئوپلیتیک و مناسبات و روابط قدرت، سیاست و رقابت، ما را به رویکردی جدید از دانش ژئوپلیتیک، یعنی ژئوپلیتیک شهری رهنمون می‌سازد وموضوعاتی جدید چون، قدرت یابی و رقابت جویی شهرها در سطوح مختلف فضایی، تخصص‌گرایی شهری، ژئوپلیتیک شهرهای میانی در نظام شبکه ای شهرهای ایران، نقش آفرینی جغرافیایی- سیاسی شهرها و ... را مطرح می سازد.

ت) ژئوپلیتیک شهری؛ تحلیل مناسبات قدرت و سیاست در مدیریت شهری ایران:

تردیدی نیست که مدیریت شهری در ایران علی رغم پذیرش رویّه های مشارکت جویانه، تا رسیدن به مدیریت راهبردی مؤلّفه‌های ژئوپلیتیکی درون و بیرون شهرها، راه درازی درپیش دارد و از آن‌جا که اساس محوری شکل‌گیری، بازتولید و پایداری قدرت ملی و آمایش فضایی، شهرها و بخصوص کلان‌شهرهاست؛ مدیریت شهری در ایران به عنوان یک پویش واسطه‌ای میان شهر و کشور، نقشی مهم در پایه ریزی، نظم‌یابی و ارتقاء قدرت ملی ایفا می‌کند.علی رغم شکل گیری شوراهای شهر به عنوان نماد مشارکت شهروندان در عرصه های تصمیم گیری و تصمیم سازی های مدیریت شهر، هنوز هم عملاً ما در شهرهای ایران، با تنوع، تعدّد و گاه تفرق کانون‌های قدرت و مدیریت سیاسی، اداری و اجرایی شهری روبرو هستیم. نگاه صریح به اضلاع مدیریت شهری ایران از پنجره‌ی ژئوپلیتیک شهری، نشان دهنده‌ی حضور چهار کانون تصمیم گیری در صحنه‌ی مدیریت شهری ایران است(خلیل آبادی، ۱۳۸۹: ۹۷).

- مدیریت مذهبی وکاریزماتیک ائمه جمعه و برخوردار از قدرت متعالی روحانی و معنوی(۳)؛
- مدیریت اجرایی و عمرانی(شهرداری و شورای شهر)؛
- مدیریت سیاسی(نمایندگان حوزه های انتخابیه)؛
- مدیریت اداری – دولتی.

نمودار شماره ۱. اضلاع مدیریت شهری در ایران از دیدگاه ژئوپلیتیک شهری(همان،۹۷)



آنچه در خصوص مدیریت شهری شهرهای ایران در حال گسترش است، مدیریت ناپایـدار و بی ثبات شهری به دلیل سوگیری های سیاسی، عزل و نصب های جنـاحی و دور از شایسـته سالاری، جنگ قدرت و رقابت میان برخی کانون‌های قـدرت شـهری، عـدم شـفافیت قـانونی حوزه‌ی مداخله کانون‌های مدیریت شهری، ناهمـاهنگی تصـمیمات اتخـاذ شـده میـان اضـلاع مدیریت شهری و.... که به تضعیف ظرفیّت‌های توسعه‌ی شهری انجامیده است. در ایـن میـان ژئوپلیتیک شهری با مکاشفه در روابط ومناسبات قـدرت میـان کـانون‌هـای تصـمیم گیـری در فضای شهر، می تواند ابزار مناسبی برای شناسایی تهدیـدات و چـالش‌هـای موجـود در تقابـل مؤلّفه‌ها و کانون‌های برخوردار از قدرت ژئوپلیتیک باشد و با کشف جایگاه سیاست در روابـط میان اضلاع مدیریت شهری و نیز مدیریت شهری با مردم، ابعـاد، زمینـه هـا و پیامـدهای آن را تشریح نماید.

نتیجه گیری

طرح رویکرد جدید در تحلیل های ژئوپلیتیک نشان داد که گستره‌ی مطالعـات و تحقیقـات شهری معاصر ایران به نوعی ژئوپلیتیک با مقیاس شهر نیازمند است تـا از طریـق آن بتـوان بـه

تعاملی سازنده میان حوزه های مطالعاتی گسسته در متن شهر، دست یافت. چرا که گمـان مـی رود با توجه به نقش کلیدی مناطق استراتژیک و حسّاس اغلب شهرها، به ویژه شـهرهای مهـم ایران، این فضاها بتوانند به عنوان سایت‌های ژئوپلیتیک، به شـکلی کارآمـد واز دیـدگاه روابـط قدرت، رقابت و بازنمودهای مخرّب (خشونت) یا سازنده(مشارکت سازنده) آن، مورد تحلیـل و بررسی قرارگیرند. اقدامی که سبب خواهد شد تا مسیرها و افق‌هـای جدیـد و کارآمـدتری، در تحلیل، نظریه پردازی و بسط دانش جامعه شناسی شـهری جدیـد، جغرافیـای شـهری، برنامـه ریزی شهری و دانش ژئوپلیتیک معاصر ایران گشوده شود.

توضیحات

۱. طرح‌واره یا پارادیم، مجموعه‌ی عقایـد، باورهـا، روش‌هـا و تکنیـک‌هـایی اسـت کـه گروهـی از پژوهشگران یک رشته‌ی علمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای رشد یابنده در آن جامعه علمی، به کار می‌گیرند.

۲. متن سخنرانی دکتر پیروز مجتهدزاده در "کانون توحید" لندن، در جلسه‌ی مورخ ۱۰ اسـفند ۱۳۸۷ (۲۸ فوریه ۲۰۰۹). روزنامه اطلاعات - ۱۳۸۸/۰۱/۱٦.

۳. همچنین در شهرهای مذهبی ایران، تولیت‌های اماکن متبرکـه، همچـون آسـتان قـدس رضـوی در کلان‌شهر مشهد و آستان مقدس حضرت معصـومه(س) در شـهر قـم نیـز، از کـانون‌هـای بسـیار اثرگذار در مدیریت شهری تلقی می شوند.

منابع و مآخذ:

۱. بای، یار محمد، (۱۳۸۸)، ***ژئوپلیتیک تاریخی ایران***، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲. پوراحمد، احمد، (۱۳۸۰)، "***آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور***"، مجله‌ی علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۳٦،تهران.

۳. پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۷٦)، "***ژئوپلیتیک، اهمیت ژئوپلیتیک شرق وشمال شرق ایران***"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ٤۳، بهار و تابستان، مشهد.

٤. جوان، جعفر، و سقایی، مهدی، (۱۳۸۳)، ***ژئوپلیتیک گردشگری در جهان و ایران***، نشریه‌ی حیات اقتصادی، شماره ۷٤.

۵. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، "***تعریف نو از ژئوپلیتیک***"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۳ و ٤.

٦. ______________، (۱۳۸۵)، ***اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک***، چاپ اول، مشهد، انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیر کبیر).

۷. ______________، و زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸٦)، ***جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای***، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم.

۸. خلیل آبادی، حسن، (۱۳۸۹)، ***ژئوپلیتیک شهری، مطالعه‌ی موردی: شهرستان نیشابور***، عزتی، عزت ا..، دانشگاه بین المللی چابهار، گروه آمایش سرزمین، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد.

۹. دانشپور عبدی، زهره، (۱۳۸۷)، ***درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر برنامه ریزی شهری***،چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۰. رهنما، محمد رحیم، (۱۳۸۵)، "***موانع، مشکلات و راهکارهای جهانی شدن شهرهای ایران***"، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره هشتم، بهار و تابستان.

۱۱. سعدالدین، رشدیه، (۱۳۵۰)، ***سیاست جغرافیایی ژئوپلیتیک***،چاپ اول، تهران، انتشارات درخشان.

۱۲. شکری، یدالله(۱۳٦۹). ***گزیده تاریخ جهانگشای جوینی***، مؤسسه‌ی انتشاراتی امیر کبیر، چاپ اول، تهران.

۱۳. شیعه، اسماعیل(۱۳۸۰). ***مبانی برنامه ریزی شهری***، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ دوم، تهران.

۱٤. عزتی، عزت الله، (۱۳۷۳)، ***ژئواستراتژی***، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

۱٥. ———— ، (۱۳۷۷)، ***ژئوپلیتیک***، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

۱٦. ———— ، (۱۳۸۰)، ***ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم***، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

۱۷. کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۷۳)، ***روابط بین الملل در تئوری و در عمل***،چاپ اول، تهران، نشر قومس.

۱۸. کست، ایولا و ژیبلین بئتریس، ترجمه‌ی علی فراستی، (۱۳۷۸)، ***عوامل و اندیشه ها در ژئوپلیتیک***، چاپ اول، تهران، نشرآمن.

۱۹. مایل افشار، فرحناز، (۱۳۸۳)، ***ژئوپلیتیک شیعه***،روزنامه سیاست روز، سال دهم، شماره ۱۷٦.

۲۰. مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۱)، ***جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی***، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

۲۱. مرکز آمار ایران، خلاصه گزارش، (۱۳۸٦)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

۲۲. میرحیدر، دره، (۱۳۷۷)، ***ژئوپلیتیک***، ارائه تعریفی جدید، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ٤.

۲۳. نظریان، علی اصغر، (۱۳۷۹)، ***جغرافیای شهری ایران***، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام نور.

منابع انگلیسی

۲٤. Architecture and Building Engineering. November (۲۰۰۹).

۲٥. Berman, B. (۱۹۹٦), ***falling Towers: City Life after Urbicide***, in Journal of Geography and identity.

۲٦. Chatterton, Paul. And Natasha Gordon. (۲۰۰۸), ***To the streets***! Voices from Argentina's popular uprising Conversations with Indymedia Argentina and the Unemployed Workers Movement of Solano۱, Journal Of Alternatives City, ۸: ۱.

۲۷. Graham, Stephan. (۱۹۹۸), ***Global Grids of Glass: On Global Cities***, Telecommunications and Planetary Urban Networks, Urban Studies, Vol. ۳٦, Nos.

۲۸. Graham, Stephan. (۲۰۰۱), ***Information Technologies and Reconfigurations of Urban Space***, International Journal of Urban and Regional Research Volume ۲۵.٤ June ۲۰۰۱.

۲۹. Graham, Stephan. (۲۰۰٤), ***Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics*** (Oxford: Blackwell ۲۰۰٤).

۳۰. Ingram, Alan and Klaus Dodds (۲۰۰۹), ***Spaces of Security and Insecurity Geographies of the War on Terror***, Ashgate Publishing Limited, British Library Cataloguing in Publication Data.

۳۱. Purcell, Mark. (۲۰۰۳). ***Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order***. International Journal of Urban and Regional

۳۲. Scott. A. j. (۲۰۰۰). ***The Cultureal economy of Paris***. Volume ۲٤. Septamber /۲۰۰۰. International Journal of Urban Regional research.

۳۳. Sontag, S. (۲۰۰۳), ***The Telling Shot, The Guardian Review*** , ۱ February.

۳٤. Throgmorton. J. A. (۲۰۰٥). ***Where Muhammad Ali Learned to Fight***: Inventing a Sustaining Myth for a Place Called Louisville. the University of Iowa.

۳٥. Tuathail. Gearóid, Simon Dalby, (۱۹۹۸), ***GEOPOLITICS***, First published in ۱۹۹۸by Routledge, London EC٤P ٤EE.

۳٦. Tuathail, Gearíd, Simon Dalby (۱۹۹۸). ***Rethinking Geopolitics***, First published in ۱۹۹۸by Routledge

۳۷. Tuathail. Gearóid, Simon Dalby, Paul Routledge (۲۰۰۳), ***THE GEOPOLITICS READER***, published in the Taylor & Francis e-Library.

۳۸. Virilio, P. (۲۰۰۲), ***Desert Screen: War at the Speed Of light***. London, Continuum.

۳۹. Zahda. Nisreen. (۲۰۰۹). ***Urban Growth in Complicated Geopolitical Urban Context -Analyzing the Growth Patterns on Fringe Area in Hebron City-***. Journal of Asian

منابع فرانسه

٤۰. Lacoste, Yves. (۲۰۰٦). ***Géopolitique***, la longue histoire d ʼaujourd ʼhui .Pairs: Larousse.

٤۱. Lasserre, frédéric. (۲۰۰٥). ***Eaux et Territories***: Tensions, Coopérations et Géopolitique del ʼea/ frédéric Lasserre et luc Descroix avec la collaboration de jean Burton et anne le Stral Sainte-foy, Presses de l ʼUniversité du Québec.

٤۲. Sandara. Breux. (۲۰۰۷). Géopolitique et Géopolitique Urbaine. Capsules, ٥-۲۰.